

پیدایش تفکر برنامه‌ریزی

تحولاتی که باعث تغییر ساختار سیاسی ایران و برکناری سلسله‌ی قاجاریه شد، تغییر زیرساخت‌های کشور را به دنبال داشت. رضاشاه که پس از عزل احمدشاه - آخرین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه - به روی کار آمد، برای تثبیت موقعیت سیاسی خود تحول در نظام اقتصادی و کارهای عمرانی را در دستور کار دولت قرار داد. ایران محروم مانده از هر گونه آبادانی و ایرانی فاقد رفاه اجتماعی، نیاز به بازسازی و ایجاد ساختارهای جدیدی داشت تا بتواند در اوایل سده‌ی بیستم میلادی فاصله‌ی بسیار زیاد و دهشتناکی که با دنیای در حال پیشرفت و توسعه داشت را کم کند.

ساخت راه‌های شوسه و خط آهن، ایجاد کارخانه‌های قند، سیمان و نساجی و ساخت بیمارستان، مدارس، و دانشگاه در دستور کار قرار گرفت. نیازها به حدی بود که هر کاری شروع می‌شد - حتی اگر بدون برنامه و در نظر گرفتن اولویت‌ها بود - جایگاه ویژه‌ی می‌یافت و درجه‌ی می‌شد برای نشان دادن افق عمران و آبادانی در بیابان و برهوت آن زمان ایران. بدین ترتیب در نیمه‌ی نخست حکومت رضاشاه، کارهای عمرانی با شدت و شتابی که تحولات و نیازهای ایران تشنه‌ی ترقی درخواست می‌کرد به انتخاب و اراده‌ی شاه انجام می‌یافت. هر چند میزان درک و آگاهی حکومت‌گران و همچنین شتابی که در اجرای کارهای عمرانی در پیش گرفته شده بود، فرصتی برای برنامه‌ریزی و یا تهیه‌ی طرح و نقشه‌ی اقتصادی باقی نمی‌گذاشت.

انجام هزینه‌های کارهای ساخت و ساز و زیربنایی از محل درآمد کشور میسر می‌شد. بنابراین ایجاد ساختاری برای تأمین منابع مالی و کنترل دخل و خرج ایجاد می‌کرد که وزارت مالیه‌ی آن زمان که دائماً در حال تحول بود، بودجه‌نویسی را برای تنظیم مداخل و مخارج کشور با اهمیت ویژه‌ی به عهده گیرد و به تعریف منابع جدید مالی - که قبل از آن باب نبود - بپردازد.

درآمد حاصل از گمرکات و فروش نفت و دریافت مالیات‌های غیرمتمرکز از منابع اصلی درآمد قاجاریه بود، که به علت عدم کفاف هزینه‌های کشوری و لشکری، به ویژه مخارج اسراف‌گرایانه‌ی دربار، با فروختن امتیازات ملی به خارجی‌ان و دریافت وام از کشورهای اروپایی، کسری مدخل و مخارج به ظاهر مرتفع می‌شد. ولی در اصل پرداخت دیون برای ایران و ایرانی و نسل‌های بعدی باقی می‌ماند. تحولات ناشی از انقلاب مشروطه، فروش امتیازات به خارجی‌ان و دریافت وام از آنها را مذموم می‌دانست و لذا دریافت وام و فروش امتیازات از شمول درآمدهای کشور (بجز فروش نفت) خارج شد.

وزارت دارایی ناچار بود منابع مالی مورد نیاز برای کارهای عمرانی را از محل تعریف منابع جدید مالی نظیر وضع مالیات و عوارض

مروری کوتاه بر

تاریخچه‌ی برنامه‌ریزی

در ایران



گردآورنده: مهندس بیژن کاموری مقدم

مروری بر تاریخچه‌ی برنامه‌ریزی در ایران را در سه بخش دنبال می‌کنم:

بخش نخست: پیدایش تفکر برنامه‌ریزی

بخش دوم: برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب

بخش سوم و پایانی: برنامه‌های عمرانی بعد از انقلاب

جدید - مانند عوارض قند و شکر -
تأمین نماید.

ذات این تحولات ایجاب می‌کرد که به منظور جلوگیری از وقفه و یا توقف کارهای در دست اقدام، ترتیب و توالی در امور به وجود آید؛ لذا برای پیشبرد آنها تهیهی نقشه و طرحی از پیش تنظیم شده، ضرورت خود را آشکار کرد. فکر تهیهی نقشه و طرح اقتصادی - که با مقاومت بعضی از

● درآمد حاصل از گمرکات و فروش نفت و دریافت مالیات‌های غیرمتمركز از منابع اصلی درآمد قاجاریه بود، که به علت عدم کفایت هزینه‌های کشوری و لشکری، به ویژه مخارج اسراف‌گرایانه‌ی دربار، با فروختن امتیازات ملی به خارجیان و دریافت وام از کشورهای اروپایی، کسری مدخل و مخارج به ظاهر مرتفع می‌شد. ولی در اصل پرداخت دیون برای ایران و ایرانی و نسل‌های بعدی باقی می‌ماند. تحولات ناشی از انقلاب مشروطه، فروش امتیازات به خارجیان و دریافت وام از آنها را مذموم می‌دانست و لذا دریافت وام و فروش امتیازات از شمول درآمدهای کشور (بجز فروش نفت) خارج شد.

مصادر امور مواجه بود - به هرحال موجب شد که برای اولین بار در سال ۱۳۱۶ و در زمان نخست‌وزیری "محمود جم" و وزارت دارایی "محمود بدر" توسط "حسین اعلاء" - که در آن زمان رییس اداره‌ی کل تجارت بود - به صورت تشکیل شورای اقتصاد عملی شود.

هیأت وزیران در یازده فروردین ۱۳۱۶ اساسنامه‌ی این شورا را با تعیین اهداف و شرح وظایف آن تصویب نمود. در این مصوبه تصریح شده بود که: "برای تمرکز مطالعات اقتصادی و برای اینکه کلیه‌ی مسائلی که در زندگانی اقتصادی کشور مؤثر است با استفاده از نظریات و اطلاعات اشخاص بصیر و با صلاحیت مورد بررسی کامل واقع شده و طبق برنامه‌ی معین جریان یابد و هیأتی به نام شورای اقتصادی تشکیل یابد که ریاست آن با رییس‌الوزراء بود."

وظایف شورای اقتصادی به ترتیب زیر تعیین شده بود:

- (الف) مطالعه در کلیه‌ی طرح‌های اقتصادی که از طرف وزارتخانه‌ها و ادارات مربوط تهیه می‌شد.
- (ب) اظهار نظر در کلیه‌ی لوائح قانونی و نظام‌نامه‌های مربوط به امور اقتصادی کشور.
- (ج) طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه‌ی طریق در اجرای آنها.
- (د) موافقت دادن اقدامات اقتصادی که وزارتخانه‌ها و ادارات و مؤسسات مختلف می‌دادند.
- (ه) انجام هر نوع وظیفه‌ی دیگری که در مسائل مربوطه به امور اقتصادی از طرف دولت محول می‌شد.

چون فرهنگ برنامه‌نویسی - و یا به عبارتی که در آن زمان متداول بود "تهیه‌ی نقشه‌های اقتصادی" - در کشور رایج نبود، شورای اقتصادی عمری بیشتر از چند ماه (از ۲ اردیبهشت الی اول تیرماه ۱۳۲۶) نیافت و در این مدت ده جلسه تشکیل داد و پس از آن متوقف ماند. "ابوالحسن ابتهاج" که در آن زمان دبیر شورای اقتصادی بود در شرح خاطرات خود در این باره می‌نویسد:

"به این ترتیب فکر تهیه‌ی برنامه برای کارهای مملکت از بین رفت و شورای اقتصادی هم دیگر تشکیل نشد. نتیجه این

شد که بعضی از کارهای غلط، مثل قرارداد تأسیس کارخانه‌ی ذوب آهن در کرج و کارخانه‌ی قند در شمال و سد کرخه، بدون مطالعه و برنامه‌ریزی انجام شد که نتیجه‌ی بی‌جهت است. مملکت نداشت؛ و کارهای مفیدی که ممکن بود با شرایط رضایت‌بخش آن ایام و با پشتیبانی کامل رضاشاه انجام شود چندین سال به تأخیر افتاد.

شکست فکر برنامه‌ریزی در این مرحله به این علت بود که اصولاً رضاشاه به تمرکز کارهای

عمرانی اعتقاد نداشت. به عقیده‌ی او کلیه‌ی کارهایی که در راه اصلاحات صنعتی و اقتصادی ایران لازم بود به عمل آید می‌بایستی به ابتکار و دستورات او باشد.

به طور کلی چون رضاشاه به استخدام متخصص اعتقاد نداشت، اغلب کارهای بزرگی که در زمان او انجام شد معایب بزرگی هم داشت که در بعضی از موارد طرح را غیرقابل استفاده کرده بود. از آن جمله می‌توان سد کرخه را نام برد که پس از اتمام آن، هنگامی که می‌خواستند مخزن سد را پر کنند، معلوم شد باید از همان آبی استفاده کنند که قرن‌ها به مصرف مشروب کردن مزارع اطراف سد رسیده است و چنانچه بخواهند آن را به مصرف سد برسانند قرایی که از قرن‌ها پیش از این آب مشروب می‌شدند، خشک خواهند شد. از این رو سد کرخه به عنوان مجسمه‌ی بی‌کارهای ناصحیح در جای خود باقی ماند.

نمونه‌ی دیگر کارخانه قند چغندر بود که در شاهی [قائم‌شهر] نصب شد و پس از احداث معلوم شد که در آنجا محل مناسبی برای کشت چغندر وجود ندارد و کارخانه را، بعد از تحمل خرج زیاد، برچیدند و به اراک منتقل کردند.

نمونه‌ی برجسته‌ی دیگر، طرح ذوب آهن کرج بود، (...). در این مورد باید بگویم که شرکت دماغ - کروب هم مقصر بود. زیرا آنها وظیفه داشتند مشکلاتی را که سال‌ها بعد نماینده‌ی این شرکت به من خاطر نشان کرد در موقع خود به اطلاع دولت برسانند.

در ساختمان راه آهن سرتاسری ایران - که بدون شک از کارهای برجسته‌ی زمان رضاشاه بود - نیز مسأله‌ی تأمین هزینه‌ی اجرای آن، که تأثیر عمیقی در وضع مالی و اقتصادی ایران داشت، مورد توجه قرار نگرفت. هزینه‌ی اجرای طرحی مانند راه آهن، که برای استفاده‌ی نسل‌های آینده احداث می‌شود، نمی‌بایستی بر یک نسل تحمیل شود. این اصل مهم در مورد ساختمان راه آهن ایران رعایت نشد و نتیجه این بود که کلیه‌ی هزینه‌ی آن به صورت عوارض قند و شکر به یک نسل - آن هم به بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان قند و شکر که ضمناً فقیرترین طبقه‌ی جامعه بودند -، یعنی کشاورزان و طبقات کارگر، تحمیل شد و در نتیجه اثرات تورم برای اولین بار در زندگی مردم آشکار گردید و هزینه‌ی زندگی به طور نامعقولی ترقی کرد. طرز صحیح اجرای برنامه‌ی بلند مدتی مانند راه آهن این است که نسل حاضر و نسل‌هایی که در آینده از مزایای اجرای چنین طرحی استفاده می‌کنند، در تأمین مخارج آن نیز سهیم باشند، و این عمل فقط

سه ماه شد و برنامه‌ی تنظیمی خود را در پایان خرداد ماه ۱۳۲۵ به نخست وزیر تقدیم کرد.
در این برنامه پس از مقدمه‌یی آمده است:

”به طوری که در مقدمه‌ی این گزارش اشاره شده است، به واسطه‌ی آشنا نبودن ادارات به تهیه‌ی برنامه و نداشتن اطلاعات و ارقام صحیح، برآورد مخارج نمی‌تواند اساس قطعی و صحیحی داشته باشد. به علاوه با فرصتی در حدود سه ماه، که یک ماه آن مصرف تهیه‌ی مقدمات کار و آشنا کردن کارمندان وزارتخانه‌ها به وظیفه‌ی خود و خواستن اطلاعاتی که از شهرستان‌ها رسیده، نباید انتظار داشت که برنامه‌ی تنظیمی بدون نقص باشد. ولی همین قدر می‌توان مدعی شد که در ایران برای اولین بار دستگاه دولت متوجه لزوم داشتن برنامه شده و پایه‌ی اولیه‌ی آن، ولو به طور ناقص باشد، گذارده شده است و هیأت تهیه‌ی برنامه افتخار دارد که در انجام این منظور وظیفه‌ی مهمی را انجام داده است.”

و در پایان برای رفع نواقص ذکر شده در برنامه به نخست وزیر

پیشنهاد می‌کند:

”کمیسیونی مرکب از اعضای هیأت تهیه‌ی برنامه‌ی عمرانی و اصلاحی کشور و چند نفر از مطلعین از طرف آن جناب مأموریت خواهد یافت که رقم کل هزینه‌ی برنامه‌ها را با توانایی مالی کشور تطبیق نماید و در صورتی که استطاعت مالی کافی برای اجرای تمام برنامه‌ها نباشد، طرق تأمین کسر آن را به دولت پیشنهاد کند و چنانچه دولت از لحاظ عدم استطاعت مالیه مصلحت نداند تمام برنامه‌ها اجرا شود، مقرر خواهد داشت کمیسیون هر یک از اقدامات مندرج در برنامه‌های تنظیمی را از لحاظ درجه‌ی اهمیت و ضرورت مورد بررسی قرار داده، و با در نظر گرفتن توانایی مالی دولت و مقدرات کشور، امکان تهیه‌ی اعتبار برنامه‌ی قطعی را تهیه و تقدیم نماید. لازم به تذکر نیست که اجرای قسمتی از برنامه که مربوط به عمران و مستقیماً در تولید ثروت عمومی مؤثر است، باید قطعاً به وسیله‌ی درآمدهای فوق‌العاده تأمین گردد، تا بار آن به دوش یک نسل گذارده نشود؛ ولی آن قسمت از برنامه را که ارتباط با اصلاحات اجتماعی و تکمیل سازمان دارد، بهتر است با وجوهی که در داخله‌ی کشور می‌توان تهیه کرد، انجام داد.”

پیشنهاد تشکیل کمیسیون مذکور در جلسه‌ی هیأت وزیران مورخ ۱۳۲۵/۵/۱۹ به تصویب رسید و نام آن ”هیأت عالی برنامه“ گذارده شد و وظایف و اختیارات هیأت به شرح زیر تعیین شد:

- ۱- تعیین توانایی مالی کشور در مدت اجرای برنامه.
- ۲- مطالعه و پیشنهاد طرق تأمین وسایل مالی برای اجرای برنامه از قبیل تهیه‌ی وجوه لازم در داخله‌ی کشور از راه مالیات، قرضه‌ی داخلی و غیره و جلب سرمایه‌های خارجی و دریافت اعتبارات از خارجه به هر نحوی که ممکن و مقتضی باشد.
- ۳- تطبیق ارقام هزینه‌ی برنامه با توانایی مالی کشور و

به این صورت قابل اجرا است که هزینه‌ی طرح از راه تأمین وام از داخل و یا خارج کشور فراهم گردد. عدم رعایت این اصل نه فقط صحیح نیست، بلکه خلاف انصاف اصول سالم اقتصادی نیز می‌باشد. ولی چون رضا شاه نسبت به اخذ وام، به خصوص استقراض از خارج، تعصب و حساسیت فوق‌العاده‌یی داشت و کسی هم جرأت نمی‌کرد در اطراف این موضوع با او صحبت کند، ساختن راه‌آهن از طریق عوارض قند و شکر نه فقط قابل تحسین نیست بلکه مورد ایراد نیز می‌باشد.”

برنامه‌ریزی و یا به عبارت آن زمان تهیه‌ی طرح و نقشه‌ی اقتصادی که می‌توانست وضع آشفته‌ی اقتصادی را سامان بخشد به علت عدم باور مصادر امور و نداشتن جایگاه فرهنگی، دوران ده ساله‌ی فطرت را طی کرد تا سرانجام به سال ۱۳۲۵ در زمان نخست‌وزیری ”قوام‌السلطنه“ و وزارت دارایی ”سهام‌السلطنه‌ی بختیار“ به صورت تشکیل ”کمیسیون تهیه‌ی نقشه‌ی اقتصادی“ بار دیگر در کشور مطرح شد.

● بدین ترتیب برای آنکه برنامه‌ی عمرانی اول که گزارش تهیه‌ی آن در آخر خرداد ۲۵ در دولت قوام مطرح شد و با توجه به آنکه پس از تأسیس هیأت عالی برنامه‌ریزی باید مقدمات تصویب نامه در مجلس و همچنین اجرای آن فراهم می‌شد و از طرفی چون تأمین منابع مالی برنامه، نیاز به وام حداقل ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک جهانی را ایجاب می‌کرد، لذا برای تهیه‌ی توجیه اقتصادی دریافت وام و تکمیل برنامه با شرکت امریکایی موريسن نودسن قراردادى به تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۲۵ منعقد شد.

این بار هیأت وزیران در هفدهم فروردین ماه ۱۳۲۵ تصویب‌نامه‌یی را مصوب کرد که در بند ۱ آن چنین آمده است:
”برای تهیه و تنظیم برنامه‌ی چندساله‌ی اصلاحاتی که در وزارتخانه‌ها و امور عام‌المنفعه‌ی کشور لازم است به عمل آید، هیأتی به نام هیأت تهیه‌ی نقشه‌ی اصلاحی و عمرانی کشور به انتخاب و تحت ریاست عالی‌ی وزارت دارایی تشکیل می‌شود.”

بدین ترتیب اولین قدم در جهت برنامه‌ریزی و آن هم تنظیم برنامه‌های چند ساله و تأسیس سازمانی برای تهیه‌ی نقشه‌ی اصلاحی و عمرانی کشور - که بعدها به نام سازمان برنامه و بودجه شهرت یافت - برداشته شد.

این هیأت که با عضویت ”دکتر علی امینی“ (دبیر کل)، ”ضیاءالدین ابوالضیاء“، ”دکتر علی اصغر خشایار“، ”دکتر علی‌اکبر مدنی“، ”دکتر عبدالمجید زنگنه“، ”دکتر کریم سنجابی“، ”سید جلال شادمان“، ”دکتر غلامرضا کیان“، ”منوچهر نیکبپی“ و ”دکتر حسن صفوی“ تشکیل شد، مأمور تهیه‌ی ”برنامه‌ی هفت ساله‌ی عمرانی و اصلاحی کشور“ در مدت

شرکت مذکور در گزارشی که چند ماه بعد تهیه کرد، برای اجرای ۲۴۰ طرح عمرانی و تولیدی، هزینه‌هایی بالغ بر ۱/۱۲۵ میلیون دلار

● **هیأت وزیران در هفدهم فروردین ماه ۱۳۲۵ تصویب‌نامه‌ی راصوب کرد که در بند ۱ آن چنین آمده است:**
”برای تهیه و تنظیم برنامه‌ی چند ساله‌ی اصلاحاتی که در وزارتخانه‌ها و امور عام‌المنفعه‌ی کشور لازم است به عمل آید، هیأتی به نام هیأت تهیه‌ی نقشه‌ی اصلاحی و عمرانی کشور به انتخاب و تحت ریاست عالی‌ی وزارت دارایی تشکیل می‌شود.“

معادل ۴۰ میلیارد ریال تعیین کرد. چون تأمین هزینه‌ی اجرای برنامه‌ی مذکور از توانایی دولت ایران خارج بود، قرار شد برنامه‌ی با هزینه‌ی ۵۰۰ میلیون دلار حداکثر و قابل اجرا تا مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار (حداقل) تهیه شود.

مطالعات نهایی شرکت موريسن نودسن در اردیبهشت سال ۲۶ پایان یافت و در مرداد آن سال گزارش ۳۲۰ صفحه‌ی را به دولت تقدیم داشت. در این گزارش شرکت مذکور دو برنامه‌ی عمرانی جداگانه پیش‌بینی کرده بود که هزینه‌ی اجرای یکی ۵۰۰ میلیون دلار و هزینه‌ی دیگری ۲۵۰ میلیون دلار بود.

پس از این گزارش به تاریخ ۱۱ آبان ۲۶، آقای دکتر “حسن مشرف نفیسی” از طرف دولت قوام و به عنوان مشاور و معاون نخست وزیر، مسؤول تهیه‌ی برنامه‌ی نهایی و ترتیب اجرای آن تعیین شد. در دهم آذر ۱۳۲۶ که دولت قوام ساقط و به جای آن دولت “حکیم‌الملک” تعیین شده بود آقای “مشرف نفیسی” گزارش نهایی برنامه‌ی هفت ساله‌ی اول را به دولت تقدیم داشت.

هزینه‌ی کل این گزارش ۲۱ هزار میلیون ریال (معادل ۶۵۰ میلیون دلار) بود که ۶۷۰۰ میلیون ریال (معادل ۲۰۰ میلیون دلار) از محل وام خارجی تأمین می‌شد و مقرر شده بود که کلیه‌ی عواید حاصل از فروش نفت به کارهای عمرانی تخصیص یابد. گزارش و لایحه‌ی مذکور سرانجام در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ در زمان نخست‌وزیری “محمد ساعد” و وزارت دارایی “محمد گلشایبان” به تصویب مجلس رسید.

مباحث مربوط به برنامه‌های عمرانی قبل و بعد از انقلاب در شماره‌ی آتی فصلنامه درج خواهد شد ●

اعتبارات ممکن‌الحصول داخلی و خارجی، اصلاح و تغییر برنامه‌ها، کم و کسر کردن ارقام آنها، تشخیص ضرورت و تقدم اجرای هر یک با رعایت اصل‌الاهم فالاهم.

- ۴- تفکیک آن قسمت از برنامه که دولت انجام آن را مستقیماً عهده‌دار می‌شود از کارهایی که ممکن است به کمک و راهنمایی دولت توسط افراد انجام پذیرد.
- ۵- تهیه‌ی قانونی که فعلاً به تصویب هیأت وزیران و بعد به تصویب مجلس شورای ملی خواهد رسید، دایر بر اینکه کلیه‌ی اعتبارات مربوط به اجرای برنامه باید صرفاً برای این منظور مصرف و هیچگونه هزینه‌ی دیگری از محل اعتبارات مزبور قابل پرداخت نباشد.
- ۶- تهیه‌ی طرح قانونی برای تشکیل هیأتی جهت نظارت در اجرای برنامه.
- ۷- مطالعه و پیشنهاد هرگونه اقدامی که برای پیشرفت اجرای برنامه لازم باشد.

اعضای هیأت مذکور سی نفر از اساتید دانشگاه و وزرای سابق عمدتاً پست و تلگراف، جنگ، پیشه و هنر، کشاورزی، دارایی و کشور و دو نفر از بخش خصوصی (رییس و نایب رییس (اتاق بازرگانی) تشکیل یافت و بدین ترتیب برنامه‌ی عمرانی ۷ ساله‌ی اول به دست این هیأت سپرده شد و هیأت مذکور لایحه‌ی برنامه‌ی اول عمرانی را تهیه نمود. این برنامه که با هزینه‌ی کل ۱۵ میلیارد ریال (با نرخ آن روز دلار ۳۲/۵ ریال معادل ۴۶۱ میلیون دلار) پیش‌بینی شده بود، برای اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی آن زمان هم که حداقل قابل تصور بود کفاف نمی‌کرد. بدین جهت با توجه به اینکه مقارن تشکیل این هیأت از ۲۵ ژوئن ۱۹۴۶ (۴ تیر ۱۳۲۵) بانک جهانی تشکیل شده بود، هیأت عالی برنامه با توجه به بند ۲ وظایف خود نسبت به درخواست وام نیاز به توجیه اقتصادی داشت و باید می‌دانست که مبلغ مورد درخواست کشور وام‌گیرنده به چه منظوری مصرف خواهد شد و نوع کارهای در دست اقدام و هزینه‌ی آنها و همچنین چه مقدار از هزینه‌ی کل از طریق وام تأمین خواهد شد و چگونه وام‌گیرنده، نسبت به بازپرداخت آن اقدام خواهد کرد، می‌بایستی سؤالات و موضوعات گفته شده مشخصاً به بانک اعلام می‌شد. لذا به توصیه‌ی هیأت عالی برنامه و تصویب دولت ایران، نسبت به استخدام متخصصان خارجی - که بتوانند توجیه اقتصادی لازم را برای وام مورد تقاضای ایران تهیه کنند - اقدام شد. بدین ترتیب برای آنکه برنامه‌ی عمرانی اول که گزارش تهیه‌ی آن در آخر خرداد ۲۵ در دولت قوام مطرح شد و با توجه به آنکه پس از تأسیس هیأت عالی برنامه‌ریزی باید مقدمات تصویب‌نامه در مجلس و همچنین اجرای آن فراهم می‌شد و از طرفی چون تأمین منابع مالی برنامه، نیاز به وام حداقل ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک جهانی را ایجاب می‌کرد، لذا برای تهیه‌ی توجیه اقتصادی دریافت وام و تکمیل برنامه با شرکت امریکایی موريسن نودسن (MorrisonKnudson) قراردادی به تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۲۵ منعقد شد.